

نشر دانشگاهی در ژاپن

نوشته شیگه نومینوا**
ترجمه مرتضی اسعدی

چکیده مقاله

بیشتر آثار تحقیقی و علمی ژاپن توسط چند صد ناشر تخصصی بخش خصوصی انتشار می‌یابد. ولی در این میان مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن از امکاناتی برای حصول به موقع و مقام و هويت بايسته خویش برخوردارند.

وقتی ناشران آثار علمی و تحقیقی راجع به نشر این گونه آثار سخن می‌گویند، حرفهایشان غالباً به نتایج مبهمی می‌انجامد. چرا باید این طور باشد؟ شاید دلیل این ابهام و ابهام این باشد که بدون ارائه تعریفی از «نشر آثار علمی و تحقیقی» (scholarly publishing) یا «اثر علمی و تحقیقی» راجع به آن حرف می‌زنند. حاصل این کار رواج افسانه‌هایی است که غالباً شاهد آنیم. در ژاپن نیز، مثل هر کشور دیگری، افسانه‌های فراوانی راجع به نشر آثار علمی و تحقیقی بر سر زبانهاست: از این قبیل که تعداد کتابهایی که منتشر می‌شود بیش از حد و بیشتر از ظرفیت بازار است، قیمت کتابهای علمی و تحقیقی خیلی بالاست، ناشران آثار علمی و تحقیقی دارند مؤلفان را استثمار می‌کنند، و نظایر آن. در حالی که آنچه ما احتیاج داریم تحقیق علمی تری در زمینه نشر آثار تحقیقی و علمی است، یعنی تحقیقی که از حد حرفهای غیراستدلالی، احساسی، و یا آمیخته با تعصبات معمولی فراتر رود. از این رودر این اواخر بر آن شدم که گام کوچکی در راه تحلیل عینی در زمینه نشر آثار علمی و تحقیقی بردارم.

بنابر فهرست سالانه عناوین جدید که از طرف کمپانی سوپان^۱ منتشر می‌شود، در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) ناشران ژاپنی حدود ۲۷۰۰۰ عنوان کتاب جدید منتشر کرده‌اند. من با تأمل در تک تک این عناوین جدید، آنها را تحت مقولات کارکردی مختلف طبقه بندی کرده‌ام - یعنی ابتدا آنها را به دو گروه عناوین علمی و

تحقیقی، و عناوین غیر علمی تقسیم کرده‌ام، و بعد عناوین گروه اول را نیز به پنج دسته موضوعی فرعی تفکیک نموده‌ام. حاصل این تقسیم بندی و تفکیک در جدول ذیل باز نموده شده است.

تعداد عناوین	آثار علمی و تحقیقی
۱۱۷۸	آثار تحقیقی دست اول
۱۰۰۰۳	آثار علمی دست دوم
۹۳۷	مراجع و کتابشناسیها
۸۳۵	اطلاعات و اسناد و گزارشها
۱۲۹۶۲	آثار غیر علمی
۱۳۹۸۷	جمع کل
۲۶۹۴۹	

بنابر آنچه از این تحلیل عینی برمی‌آید:

(۱) تقریباً نیمی از آثار منتشره در ژاپن را در این سال می‌توان «علمی» به معنای وسیع کلمه به حساب آورد؛

(۲) از قریب ۱۳۰۰۰ عنوان کتاب علمی و تحقیقی تنها حدود ۸ درصد آنها به معنای دقیق کلمه علمی و تحقیقی بوده‌اند؛ یعنی کتابهایی بوده‌اند که اختصاصاً برای آگاه ساختن همکاران مؤلف و خواص اهل علم و تحقیق از دست آورده‌های نوین علمی انتشار یافته‌اند؛

(۳) اکثریت معتناهی از کتابهای علمی (یعنی حدود ۸۰ درصد آنها) را کتابهای درسی دانشگاهی، کتابهای جدی غیر داستانی درباره موضوعات مختلف علمی برای روشنفکران در سطح کل جامعه، و سایر آثار دست دوم تشکیل می‌داده‌اند.

دومین بازیافت مهمی که از این تحلیل حاصل می‌شود این است که آثار دست اول علمی و تحقیقی تنها ۴ درصد کل عنوانهای جدید را تشکیل می‌دهند. و مهمتر از آن این که اگر به جای تعداد عنوانها تیراژ کتابهای جدید انتشار را ملاک قرار دهیم، خواهیم دید که آثار دست اول علمی و تحقیقی تنها ۰/۱

در انجمن مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن^۲ حدود ۱۴ مرکز عضویت دارند. این مراکز در نحوه عملکردشان همسان و متحد نیستند؛ برخی از آنها بیشتر بر نشر آثار تحقیقی دست اول تأکید می‌ورزند؛ و بعضی بر نشر کتابهای درسی یا کتابهای عمومی تری که به نوعی از مسائل و موضوعات علمی و تحقیقی اشتقاق می‌یابند. این ناهمگونی مایه عدم توفیق مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن در هرگونه تلاشی برای دستیابی به يك هويت مشترك گردیده است. در حال حاضر، در واقع تنها خصیصه مشترك آنها همانا وابستگی شان به مؤسسات آموزش عالی است. و بدیهی است که تنها همین وجه مشترك صوری به هیچوجه نمی‌تواند مبنای محکم و متینی برای دستیابی به يك هويت مشترك باشد.

چرا فعالیت مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن این قدر محدود است؟ پاسخ این سؤال در تحلیل فوق نهفته است: نشر آثار علمی و تحقیقی در ژاپن به صورت يك رشته تخصصی در آمده، و ناشران تجارتي صاحب تخصص در زمینه نشر این گونه آثار، آن را قبضه کرده‌اند. دلیل و علت این امر آن است که ژاپن علوم و تکنولوژی غربی را به عنوان رشته‌های موجود و تثبیت شده‌ای از دانش وارد کرده است. ناشران بخش خصوصی ژاپنی نیز دریافته‌اند که با تخصیص تمام نیرو و سرمایه خود به نشر کتابهای مربوط به يك یا چند رشته دانشگاهی، مانند فیزیک و شیمی، مهندسی، معماری و یا کشاورزی، توش و توان قابل ملاحظه‌ای خواهند یافت. بدین ترتیب، این ناشران می‌توانند از نظر ویرایش، تولید، ترویج و توزیع کتاب بسیار کاراتر از مؤسسه‌هایی باشند که نیروی خود را در زمینه‌های متعدد و متنوع بخش کرده‌اند؛ و مؤسسه نشر دانشگاهی‌ای که مجبور باشد در زمینه همه موضوعات دانشگاهی فعالیت کند، گریزی از این پس ماندگی محتمل نخواهد داشت. تذکر این نکته لازم است که بسیاری از دانشگاههای عمده ژاپن، من جمله دانشگاه کیوتو، رقیب دانشگاه توکیو، مؤسسه انتشاراتی خاص خودشان ندارند. دلیل آن هم روشن است: دانشگاهیان و استادان این دانشگاهها وقتی که می‌توانند بدون هیچ مشکل و دردسری آثار خود را از طریق مؤسسات انتشاراتی تخصصی بخش خصوصی چاپ و منتشر کنند، دیگر نیازی به داشتن يك مؤسسه انتشاراتی خاص خود نمی‌بینند.

در طول تطور نشر آثار علمی و تحقیقی الگوهای تاریخی گوناگونی از مؤسسات نشر دانشگاهی وجود داشته‌اند. الگویی که مؤسسات انتشارات دانشگاههای آکسفورد و کمبریج نماینده آن است در روزگاری که علم و دانش نسبتاً یکپارچه و جامع بود و هنوز به اجزا و رشته‌های متعدد کوچکتری که به دنبال توسعه علم پدید آمده‌اند تقسیم نشده بود، می‌توانست بسیار معتبر و مفید باشد.

درصد کل تیراژ کتابهای جدید را تشکیل می‌دهند. در حالی که فرونی تیراژ آثار دست دوم، که عموماً به انگیزه کسب سود منتشر می‌شوند، چشمگیر و قابل تأمل است.

گام بعدی در این بررسی عینی، تحلیل ناشران ۱۱۸۷ عنوان اثر تحقیقی دست اول است. آنچه که از این طریق روشن می‌شود نیز شگفت‌آور و تأمل‌انگیز است. برخلاف افسانه‌هایی که همه جا بر سر زبانهاست، معروف‌ترین ناشران آثار علمی و تحقیقی ژاپن لزوماً ناشر آثار علمی و تحقیقی به معنای دقیق این کلمه نیستند، بلکه در هر سال تنها معدودی آثار علمی دست اول و تعداد بیشتری آثار علمی دست دوم منتشر می‌کنند. مهمترین مطلبی که از بررسی نشر آثار علمی و تحقیقی از این منظر روشن می‌شود این است که ۱۱۸۷ عنوان اثر علمی دست اول در این سال توسط ۳۵۷ مؤسسه انتشاراتی که اکثر آنها تجارتي بوده و به طور تخصصی در يك موضوع یا رشته معین کار می‌کنند، منتشر شده است. بیشتر این مؤسسات انتشاراتی تعداد کمی از آثار دست اول را به اتکای سودی که از محل انتشار آثار دست دوم می‌برده‌اند، به چاپ رسانیده‌اند؛ ولی در مجموع همین مؤسسات انتشاراتی بر روی هم بیشترین تعداد عناوین آثار دست اول علمی و تحقیقی را منتشر کرده‌اند و مؤسسات انتشارات دانشگاهی ژاپن لزوماً بیشترین سهم در انتشار این گونه آثار را نداشته‌اند. (اگرچه، مؤسسه انتشارات دانشگاه توکیو، با نشر کلاً ۵۳ عنوان اثر تحقیقی دست اول در سال ۱۹۷۹/۱۳۵۸ در زمینه نشر آثار اصیل علمی و تحقیقی پیشتاز بوده است.) از طرف دیگر، مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن نیز تعداد زیادی کتاب منتشر می‌کنند که از آثار دست اول محسوب نمی‌شوند. و در يك کلام، باید گفت که هنوز خیلی مانده است تا در ژاپن حد و مرز میان مؤسسات نشر دانشگاهی و ناشران تجارتي آثار علمی و تحقیقی به روشنی مشخص گردد.

از این آغاز راه درباره نقش مطلوب و ممکن مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن چه می‌توان گفت؟

به طور روز افزونی به آن مؤسساتی از میان خودشان تأسی می‌جویند که برنامه‌های انتشاراتی خود را در يك یا چند زمینه تخصصی - مانند مطالعات امریکای لاتین، علوم دامپزشکی، تاریخ غرب میانه، و نظایر آن - متمرکز کرده‌اند. این خود متضمن يك تناقض یا نقض غرض است؛ چرا که بدین ترتیب، مؤسسه نشر دانشگاهی ای که قاعدتاً انتظار می‌رود نیازهای انتشاراتی بخش وسیعی از دانشگاه مادر را تأمین کند، بایستی بنابه ملاحظات اقتصادی در پی تخصصی شدن باشد.

سومین الگوی تاریخی نشر دانشگاهی را بایستی در جهان سوم جست. در اینجا مؤسسات نشر دانشگاهی نیروی بالقوه عظیمی برای خدمت به کل جامعه خود از طریق نشر آثار آموزشی در تمام سطوح دانشگاهی دارند.

این الگوی اخیر به هیچ وجه بیشتر از سایر الگوها برای ژاپن مناسب نیست. مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن تاکنون به حیات خود ادامه داده‌اند، ولی هیچ تضمینی نیست که از این پس هم بتوانند پابرجا بمانند. اگر قرار باشد این مؤسسات به حیات خود ادامه دهند بایستی موجبات محکمی برای این امر وجود داشته باشد. این مؤسسات باید به جای این که زایده‌ای بر پیکر دانشگاههای خود باشند، عضو مهم و لاینفک و معقول دانشگاههای خود به حساب بیایند. سه عامل که مستقیماً به سه محدودیت در دانشگاههای مادر مربوط است، می‌تواند به تأمین شأن شایسته مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن در آینده کمک کند. نخست این که دانشگاههای ژاپن با تخصصی شدن بیش از حد خود دست و پای خود را بسته‌اند. این دانشگاهها به صورت مجموعه‌هایی (صوری یا مکانیکی) از دانشکده‌هایی که بر حسب رشته خود تقسیم و تفکیک شده‌اند، در آمده‌اند و از آن فراتر نرفته‌اند. در حالی که امروزه، در شرایطی که علم و تکنولوژی به نحوی فزاینده ضعفهای عظیم خود را در حل مسائل و معضلات خطیر جهان نشان می‌دهند، این تقسیم‌بندیها دیگر به هیچ وجه کافی نیست. دانشگاههای ژاپن باید تحولی انقلابی در فلسفه نظام خود را پذیرا شوند. اگر مؤسسات نشر دانشگاهی بتوانند ابتکار عمل را در زمینه انتشارات خود به دست بگیرند و پارا از برنامه‌های تعیین شده بنابه اقتضای رشته‌های مشخص دانشگاهی فراتر گذارند، خواهند توانست نقشی اساسی و حیاتی در چنان انقلابی ایفا کنند. با این حال، هنوز نمی‌توان مسیر و بستر این ابتکار و تحول را پیش‌بینی کرد: آیا آنچه لازم است انتشار کتابهایی با ماهیت چند رشته‌ای است؟ یا کتابهایی با رهیافت ضدعلمی؟ علی‌ای حال، دومین محدودیت دانشگاههای ژاپن ماهیت

خصوصاً که کفایت و کارایی فنی چاپخانه‌های دانشگاهها در آن ایام و نیز حمایت مالی ای که بر اثر انتشار طبع مجاز انحصاری کتاب مقدس و کتاب دعا فراهم می‌آمد، نیز متضمن اعتبار و فایده این الگو در هر يك از موارد و مصادیق خاص آن بود. ولی امروزه دانش به اجزا ورشته‌های متعدد تقسیم شده است؛ تکنولوژی چاپ دیگر تنها در اختیار دانشگاهها نیست و در دسترس همه قرار گرفته است؛ و دیگر حمایت مالی ای از طریق داشتن امتیاز نشر کتابهای مقدس تأمین نمی‌شود.

دومین الگوی تاریخی نشر دانشگاهی در امریکای شمالی به منصفه ظهور آمده است. حدود هفتاد مؤسسه انتشارات دانشگاهی امریکای شمالی تکنولوژی کاملاً جا افتاده و پیراسته‌ای را در زمینه ویرایش، تولید و بازاریابی و توزیع آثار علمی و تحقیقی به وجود آورده‌اند. این مؤسسات توانسته‌اند نظر موافق جامعه‌شان را جلب کنند و به آنان بقبولانند که به لحاظ فعالیت در راهی که فی نفسه دخل و خرج نمی‌کند سزاوار تحصیل حمایت مالی از محل وجوه عمومی و بیت‌المال هستند. و از آن طریق توفیق آن را یافته‌اند که نقش اجتماعی خودشان را به عنوان ناشر آثار تحقیقی دست اول به جامعه‌شان معرفی کنند و بقبولانند. شهرت این مؤسسات به عنوان ناشران آثار و تحقیقات مربوط به علوم اجتماعی و علوم انسانی به آنها کمک کرده تا هویت مشترکشان را به عنوان يك گروه واحد تثبیت نمایند.

الگوی نشر دانشگاهی امریکای شمالی با این که ممکن است از بسیاری جهات ممتاز باشد، ولی به خودی خود قابل صدور به سایر کشورها نیست. دلیل نخست این امر این است که، قطع نظر از تفاوت‌های موجود در زمینه‌های اجتماعی و تاریخی جوامع دانشگاهی سایر کشورها با امریکای شمالی، بر خورداری از حمایت وسیع مالی جامعه (که ۱۰ تا ۲۰ درصد بودجه سالانه مؤسسات نشر دانشگاهی امریکایی را تأمین می‌کند) در سایر کشورها فراهم نیست. علاوه بر این، الگوی نشر دانشگاهی امریکای شمالی نیز تناقضات خاص خود را دارد. این مؤسسات

بسته آنهاست. این دانشگاهها باید در زمینه‌های تحقیقاتی، آموزشی، و انتشاراتی بین‌المللی شوند. مؤسسات نشر دانشگاهی می‌توانند با منتشر کردن تحقیقات اصیل و دست‌اول ژاپنی به زبانهای خارجی، کمک بسیار قابل‌ملاحظه‌ای در این زمینه ارائه کنند.

وبالآخره، سومین محدودیت این است که دانشگاههای ژاپن سالیان طولانی به لحاظ عدم موفقیت در تعلیم دانشجویان خود مورد انتقاد بوده‌اند. گفته می‌شود که این دانشگاهها در بسیاری موارد حداکثر همچون کارگزاران یک فرایند گزینش عمل کرده‌اند، و دانشجویان را صرفاً قبل از ورود به جامعه به مدت چهار سال به حالت تعلیق در دانشکده‌ها نگاه داشته‌اند. باری، تهیه کتب و نشریات آموزشی سنجیده و خوش طرح بخش اساسی و مهمی از هر انقلاب آموزشی به حساب می‌آید. مؤسسات نشر دانشگاهی می‌توانند ناشران ایده‌آلی برای اینگونه کتابها و نشریات باشند، و می‌توانند با تماس نزدیکی که با محیط دانشگاهی دارند، کتابها و نشریاتی را که بیش از همه برای مقاصد آموزشی مناسب است طرح‌ریزی و ارائه نمایند.

مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن احتمالاً در این سه زمینه در موضع مساعدتری نسبت به مؤسسات انتشاراتی تخصصی بخش خصوصی قرار دارند. آینده مؤسسات نشر دانشگاهی ژاپن در گرو حرکت در این جهات است. و این مایه تأسف است که بعید می‌نماید مؤسسات مزبور در این جهات گامی بردارند. دانشگاههای ژاپن نیز، مانند دانشگاههای همه کشورهای دیگر، نهادهای پابرجایی هستند که به ندرت ممکن است بدون اعمال فشاری فوق‌العاده از خارج از محیط دانشگاه تن به تغییر و تحول بدهند.

*مختصات کتابشناسی متن انگلیسی مقاله که در اصل به صورت سخنرانی در سومین کنفرانس بین‌المللی ناشران آثار علمی و تحقیقی در لندن، در اکتبر ۱۹۸۳ / مهر ۱۳۶۲ ایراد شده، اینچنین است:

«University Presses in Japan», by Shigeo Minowa, in *Scholarly Publishing: A Journal for Authors and Publishers*, Vol. 15, No. 3, Toronto, University of Toronto Press, April 1984, PP. 254-263.

** شیکه‌تومینوا (Shigeo Minowa) در حال حاضر رئیس مؤسسه انتشارات دانشگاه سازمان ملل در توکیو است و پیش از این رئیس مؤسسه انتشارات دانشگاه توکیو بوده است.

1. Annual New Titles Listing
2. Shuppan News Company
3. Association of Japanese University Presses

